

## از اسماعیل تا الخاندرو: یک طبقه، یک مبارزه!

این روزها اسماعیل بخشی درحالی زیر شکنجه است که حمایت نه فقط کارگران ایران بلکه کارگران سایر ملل هم از او درحال گسترش است. یکی از این حامیان، کارگران کارخانه کشتی‌سازی ریوسانتیاگوی آرژانتین بوده‌اند.

وضعیت این کارگران، از بسیاری جهات شباهت زیادی به هپکو، فولاد اهواز و هفت‌تپه دارد. این کارخانه دولتی سال‌هاست که دچار بحران شده و مدیران این شرکت کمر به تعطیلی‌اش بسته‌اند. دولت به جای دادن سفارش تولید دست به واردات محصولات مشابه می‌زند و مشخص شده که مدیران کارخانه هم با پنهان کردن اسناد سفارش‌ها سعی دارند که شرکت را بدون مشتری نشان دهند و توطئه تعطیلی کارخانه را هرچه زودتر پیاده کنند.

اما مدت‌هاست که مقاومت ستودنی کارگران مانع اجرای این توطئه شده؛ با این حال مدیران هنوز هم با حیل‌های مختلف از جمله به اسم «بهره‌وری» مدام از دستمزدها زده‌اند و حتی حق پرداخت بابت روزهای تعطیل را هم لغو کرده‌اند.

امسال طرح تعطیلی کارخانه با شدت بیشتری در دستور کار قرار گرفته و به تبع آن مبارزات کارگران بالا گرفته، به‌طوری‌که کارگران با «اشغال کارخانه» مانع تعطیلی‌اش شده‌اند و اکنون از طریق اتحاد و همبستگی با کارگران صنایع دریایی اطراف دست به اعتراضات و اعتصابات هماهنگ زده‌اند تا دولت را عقب بزنند.

خواست اصلی کارگران از سرگرفتن تولید در تمام بخش‌های کارخانه است. اما منتظر دلسوزی دولت یا مدیران هم نمانده‌اند، بلکه خودشان مدام با افشای اسناد محرمانه شرکت و فساد مدیران، با سازماندهی اعتصابات و نهایتاً با همبستگی طبقاتی با سایر کارگران صنایع اطراف در حال تقویت مبارزه‌شان هستند.

در هفته‌های اخیر دولت سرمایه‌داری آرژانتین با دادگاهی کردن یکی از رهبران اعتصاب به نام «الخاندرو ویاروئل» سعی کرده تا به ارباب کارگران بپردازد. الخاندرو یکی از کارگران مبارز این کارخانه که حتی علیرغم مشکلات فیزیکی‌اش با ویلچر نیز خود را به اعتراضات میرساند و با خانواده‌اش در اعتراضات شرکت می‌کرد، اکنون با حکم قضایی مواجه شده. الخاندرو و اتحادیه کارگران این کارخانه کشتی‌سازی تنها چند هفته قبل‌تر پیام همبستگی و حمایت خود را به کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز فرستاده بودند.

شرایط الخاندرو و بطور کل مبارزات کارگران این کارخانه ثابت می‌کند که چرا مبارزه علیه سرمایه‌داری، مختص به این یا آن واحد تولیدی نیست، بلکه برای طبقه کارگر، یک مسأله جهانی است؛ و اینکه چرا کارگران از هر واحد و صنفی و از هر ملیت باید پشت یکدیگر بایستند، از تجارب یکدیگر درس بگیرند و متحدین واقعی را از درون صفوف خود پیدا کنند. این موضوعی است که تشکل کارگری این کارخانه کشتی‌سازی (بنام «لیست سیاه») به‌خوبی به آن واقف است و دقیقاً به همین خاطر

تأکید ویژه‌ای بر اتحاد و همبستگی با سایر کارگران و مبارزات آنان دارد. به طوری که این کارگران علاوه بر مبارزات داخل کارخانه خودشان، در بسیاری از مبارزات فراصنفي، از جمله در اعتصاب معلمان و اشغال وزارت اقتصاد آرژانتین (تابستان امسال) همراه هم‌طبقه‌ای‌های خود در جنبش کارگری آرژانتین فعال بوده و مشارکت داشته‌اند.

شعار آنان به تنهایی چکیده نگاه آنان به مبارزه کارگری است: «اگر به یکی از ما دست‌درازی شود، به همه ما دست‌درازی شده‌است!»

این البته شعاری است که کارگران فولاد و هفت‌تپه بارها چه با اعلام همبستگی و حمایت متقابل از یک‌دیگر در طول اعتصابات و چه با پیگیری آزادی همکاران بازداشتی‌شان تا به آخر، در عمل اجرا کردند و ثابت کردند که علی‌رغم شدیدترین فشارهای امنیتی و دروغ‌پراکنی‌های مکرر علیه همکارانشان آنان را فراموش نکرده‌اند. کریم سیاحی، کارگر مبارز فولاد، نهایتاً آزاد و مستقیماً به آغوش همکارانش شتافت و در آن سوی دیگر کارگران هفت‌تپه در اعتراض به بازداشت دوباره اسماعیل بخشی، دست به تجمع زدند.

نه اسماعیل بخشی و نه الخاندرو هیچ جرمی ندارند إلا تقویت نظارت کارگران بر امور کارخانه، مبارزه علیه سرمایه‌داران فاسد و طرح این شعار که اگر کارفرما عرضه اداره کارخانه را ندارد، کارگران آماده‌اند تا اداره کارخانه را به دست بگیرند!

کمیته عمل سازمانده کارگری به پاس همبستگی کارگران آرژانتینی با کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز سعی می‌کند تا صدای همبستگی بین طبقه کارگر را ورای صنف و ملیت تقویت کند و به این منظور چهره و شعار این دو کارگر مبارز در دو گوشه مختلف دنیا را با هنر گرافیتی به میان محله‌های کارگری ببرد. باشد که پیام همبستگی کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز که به اقصی نقاط کشور، به معلمان، به کارگران هپکو، به فولادی‌های بوئین زهرا و به دانشجویان سراسر کشور و سایر مردم رسید، تقویت شود!

کمیته عمل سازمانده کارگری - ۸ بهمن ۹۷

